

چکیده

معجزه به عنوان یک رویداد خارق العاده از مهمترین مسائل وحیانی ادیان است، که منشأ الهی داشته، به اراده خداوند بدست پیامبران صورت می گیرد، و هدف از انجام آن تأکید بر ادعای نبوت از جانب آورنده آن است. برخی از متفکران مسلمان مانند غزالی در مورد این مسأله رویکردی مثبت داشته اند. او موافق امکان و اثبات پذیری وقوع معجزات است و آنرا امری ممکن دانسته است که در قلمرو قدرت خداوند واقع می شود. از نظر غزالی میان پذیرش رابطه ضروری علیّت و پذیرش معجزات ناسازگاری وجود دارد، لذا او در جهت حمایت از امکان معجزات، رابطه ضروری علیّت را انکار کرده است و قانون طبیعت را در محدوده عادت و سنت الهی پذیرفته است. بنابراین معجزه را رویدادی دانسته که خارق این عادت و سنت است که با اراده خداوند صورت می گیرد و با استناد به این مسأله که معجزه خارق عادت و سنت پیشین است، به تبیین امکان آن پرداخته است. در نقطه مقابل این دیدگاه، نظر دیوید هیوم، فیلسوف تجربه گرا قرار دارد که مانند غزالی به انکار رابطه ضروری علیّت روی آورده، اما با وجود این بر خلاف غزالی نسبت به اثبات پذیری معجزات رویکردی منفی داشته است، هیوم معجزات را اثبات ناپذیر و نامحتمل می داند، و بر آن دلیل اقامه نموده است و مشخصاً آنرا نقض قانون طبیعت دانسته است. با عنایت به مطالب پیشتر ذکر شده، نگارنده در پی آن است تا با مقایسه دیدگاه این دو متفکر نشان دهد که چگونه با وجود اینکه آنان مبنای مشترک در زمینه نفی رابطه ضروری علیّت داشته اند؛ به دو رأی متفاوت در رابطه با موضوع معجزه رسیده اند.

واژگان کلیدی: معجزه رویداد خارق العاده، اثبات پذیری معجزات، رابطه ضروری علیّت با معجزه، نقض قانون طبیعت، هیوم، غزالی.

فهرست مطالب

فصل اول : تعاریف و کلیات	۱
مقدمه	۲
۱-۱ صورت کلی تحقیق	۳
۱-۱-۱ پرسش های پژوهش	۴
۲-۱-۱ فرضیات پژوهش	۴
۳-۱-۱ اهداف و ضرورت پژوهش	۵
۴-۱-۱ پیشینه پژوهش	۵
۲- تعاریف	۶
۱-۲-۱ تعریف معجزه در کتب لغت	۶
۲-۲-۱ تعریف معجزه در متون دینی (تورات و انجیل)	۸
۳-۲-۱ تعریف معجزه در قرآن کریم	۹
۴-۲-۱ واژگان مترادف معجزه در قرآن	۱۰
۳-۱ تعریف معجزه	۱۲
۱-۳-۱ تعریف معجزه در اصطلاح متکلمان	۱۲
۲-۳-۱ تعریف معجزه در اصطلاح فلاسفه	۱۴
۱-۲-۳-۱ تعریف اصطلاحی معجزه از نظر فلاسفه مسلمان	۱۴
۲-۲-۳-۱ تعریف اصطلاحی معجزه از نظر فلاسفه غربی	۱۷
۴-۱ تمایز اعجاز با سایر خوارق عادات	۲۰

- ۱-۴-۱ تمایز اعجاز با کرامت ۲۰
- ۱-۴-۲ تمایز اعجاز با سحر ۲۱
- ۱-۵-۱ اقسام معجزه ۲۱
- ۱-۵-۱ فعلی و عدمی ۲۲
- ۱-۵-۲ بر حسب نوع تصرف (واقعی - خیالی - عقلی) ۲۲
- ۱-۵-۳ به اعتبار فاعل ۲۳
- ۱-۵-۴ به اعتبار منشأ صدور ۲۳
- ۱-۵-۵ به اعتبار امکان صدور از دیگران ۲۴
- ۱-۵-۶ به اعتبار زمان (ارهاص و اعجاز) ۲۴
- ۱-۵-۷ به اعتبار امکان (تعذر جنس و وصف) ۲۴
- ۱-۵-۸ به اعتبار غایت ۲۵
- ۱-۶-۱ امکان وقوع معجزه و اشکالات ناظر بر آن ۲۵
- ۱-۶-۱ اشکال اول : خود متناقض بودن مفهوم معجزه و پاسخ به آن ۲۵
- ۱-۶-۲ اشکال دوم : نقض قوانین فلسفی و پاسخ به آن ۲۷
- ۱-۶-۳ اشکال سوم : ناسازگاری با علم و پاسخ به آن ۲۹
- فصل دوم : بررسی اعجاز از دیدگاه امام محمد غزالی** ۳۲
- ۱-۲ مقدمه ۳۳
- ۲-۲ علیت از دیدگاه غزالی ۳۴
- ۲-۲-۱ نفی ضرورت میان سبب و مسبب ۳۶
- ۲-۲-۲ تفسیر علیت به اقتران و توالی حوادث ۳۷

۳۸ ۲-۳-۲ فاعل حوادث
۴۰ ۲-۲-۴ تفسیر آیات ناظر به مسأله علیّت
۴۱ ۲-۳ تبیین معجزه از نظر غزالی
۴۳ ۲-۴ معجزه امری ممکن در گستره قدرت الهی
۴۶ ۲-۵ تبیین امکان اعجاز
۴۷ ۲-۵-۱ اعجاز معلول علت طبیعی تسخیر شده
۴۸ ۲-۵-۲ اعجاز خرق عادت و فعل مستقیم خدا
۴۹ ۲-۶ منشأ صدور اعجاز
۴۹ ۲-۷ ارزش معرفتی اعجاز
۵۴ ۲-۷-۱ رویکرد دوگانه رأی غزالی در مورد ارزش معرفتی اعجاز
۵۵ ۲-۷-۲ شبهات ناظر بر ارزش معرفتی اعجاز
۵۸ ۲-۸ تعبیری دیگر از معنای معجزه
۵۹ ۲-۹ تبیین دیدگاه فلاسفه در رابطه با معجزه ، از نظر غزالی
۶۰ ۲-۱۰ نقد ابن رشد بر غزالی
۶۴ فصل سوم : بررسی معجزه از دیدگاه دیوید هیوم
۶۵ ۳-۱ مقدمه
۶۵ ۳-۲ تحلیل علیت از نظر هیوم
۶۷ ۳-۳ نقض قانون طبیعت در معجزه
۶۹ ۳-۴ تحلیل معجزه از نظر هیوم
۷۱ ۳-۵ دو تفسیر از مقاله هیوم

۶-۳	تفسیری دیگر از مقاله هیوم	۷۳
۷-۳	اثبات ناپذیری معجزه از نظر هیوم	۷۴
۱-۷-۳	برهان هیوم بر اثبات ناپذیری معجزه	۷۵
۲-۷-۳	تقریر فلو از برهان هیوم	۷۷
۸-۳	نقد برخی از فلاسفه دین از برهان هیوم و فلو	۷۸
۱-۸-۳	نقد مایکل پترسون بر دیدگاه هیوم و فلو	۷۸
۲-۸-۳	نقد سویین برن بر دیدگاه هیوم و فلو	۷۹
۹-۳	بررسی گواهی بر معجزه از نظر هیوم	۸۱
۱۰-۳	دلایل هیوم بر قابل اعتماد نبودن گواهی بر وجود معجزه	۸۳
۸۵	فصل چهارم : مقایسه ، نقد و تحلیل آراء غزالی و هیوم در مورد معجزه	
۱-۴	مقدمه	۸۶
۲-۴	مقایسه دیدگاه غزالی و هیوم درباره علیّت	۸۷
۱-۲-۴	تشابهات نظر غزالی و هیوم در مورد علیّت	۸۷
۲-۲-۴	اختلاف نظر غزالی و هیوم در مورد علیّت	۸۸
۳-۴	مقایسه آراء غزالی و هیوم در مورد معجزه	۹۰
۱-۳-۴	مقایسه نظر غزالی و هیوم در مورد تعریف معجزه	۹۱
۲-۳-۴	مقایسه امکان وقوع معجزه از نظر غزالی و هیوم	۹۱
۳-۳-۴	مقایسه نظر غزالی و هیوم در مورد منشأ و فاعل معجزه	۹۲
۴-۳-۴	مقایسه نظر غزالی و هیوم در مورد ارزش معرفتی اعجاز	۹۲
۵-۳-۴	مقایسه نظر غزالی و هیوم در مورد رابطه قانون طبیعت با معجزه	۹۳

۶-۳-۴	مقایسه نظر غزالی و هیوم در مورد اثبات پذیری معجزه	۹۳
۴-۴	نقد و تحلیل دیدگاه غزالی	۹۴
۱-۴-۴	نقد و تحلیل دیدگاه غزالی در مورد انکار ضرورت علی	۹۴
۲-۴-۴	نقد و تحلیل دیدگاه غزالی در مورد ناسازگاری معجزه با قانون علیت	۹۵
۵-۴	نقد و تحلیل دیدگاه هیوم	۹۷
۱-۵-۴	نقد دیدگاه هیوم درباره نفی پیوند ضروری میان علت و معلول	۹۷
۲-۵-۴	نقد و تحلیل دیدگاه هیوم در مورد تبیین معجزه	۹۷
۱۰۴	نتیجه	
۱۰۵	فهرست منابع	

فصل اول:

تعاریف و کلیات

مقدمه

در ادیان مختلف روایات فراوانی وجود دارد که از وقایع و پدیده‌های حکایت می‌کند که به قدری غیر متعارف و خارق‌العاده است که فهم و درک آن‌ها برای عقل دشوار و مشکل است، وقایعی که بنابر دیدگاه دینی تجلیات قدرت فراطبیعی و موجود ربوبی خوانده می‌شود که از طریق این تجلیات به اهداف خود جامه‌ی عمل می‌پوشاند. این وقایع که تحت عنوان معجزه از آن نام برده می‌شود اموری مابعدالطبیعی هستند. که عامه مردم از انجام آن ناتوانند و به دست اشخاص خاصی که مرتبط با عالم مافوق طبیعت هستند با یک قدرت فراطبیعی به وجود می‌آیند. این اشخاص از طریق مشاهده، رویا و الهامات غیبی به بصیرت و آگاهی ژرف و قدرت روحی فوق‌العاده دست می‌یابند. در پاره‌ای از ادیان بر اساس این گونه حوادث، حجیت و حقانیت دین و مرجعیت شخصی خاص به عنوان منجی و فرستاده‌ی خداوند جست‌وجو می‌شود. این موضوع که در اصل مسئله‌ی دینی شناخته می‌شود و اهل دین در علم کلام از آن گفت‌وگو می‌کنند، فارغ از دین و ایمان، موضوع تأمل فلسفی فلاسفه جدید نیز واقع شده است. این مقوله از جمله مسائلی است که همواره در معرض جدی‌ترین شبهات واقع شده و تحلیل‌های گوناگونی از آن به عمل آمده و از زوایا و دیدگاه‌های متفاوت به آن نگریسته شده است.

فطرت درونی و تفکر منطقی انسان همواره او را به سوی کشف حقایق هستی، جستجوی علل و غایات آن رهنمون بوده است؛ از این رو آدمی هرگز خود را در تنگنای حواس ظاهر بین محدود نکرده، خواهان راه جویی به فراسوی عالم طبیعت است. از منظر چنین دیدگاهی اعتقاد به خدا، آیت‌ها و نشانه‌های عام و خاص الهی در شمار عقاید معنادار و معقول است و بر اساس این نگرش، اعجاز آیتی غیبی و پاسخی الهی به غریزه‌ی حقیقت‌جویی آدمی است که به منظور معرفی و تأیید راهنمایان مبعوث خداوند در تاریخ نبوت‌ها ظهور یافته است.

در این راستا قرآن و آموزه های وحیانی بارها به مسأله اعجاز و معجزات پیامبران تصریح کرده و بسیاری از نتایج و باورها را بر پایه این اعتقاد استوار ساخته است و بر اساس این آموزه ها است که حتی بعضی از متکلمان مسلمان مانند غزالی ساختار فکری خودش را در راستای توجیه این پدیده ی مهم، سامان بخشیده است .

در مقابل این دیدگاه گسترش دانش ابزاری جدید که پنجره هایی از جهان ماده را به سوی انسان گشوده، حجابی عظیم در پیش روی رهپویانش گسترده که خود را از درک حقایق برین هستی ناتوان یافته اند افسونگری های این روش معرفت شناسی آن سان برخی از باورمندانش را فریفته است که سقف واقعیت های عینی را به کوتاهی ابزار حسی - تجربی انگاشته اند؛ تجربه گرایانی مانند هیوم که اساساً عصر دین و متافیزیک را پایان یافته شمردند و پذیرش و معناداری هر حقیقتی را تنها در گرو تجربه پذیری نهادند و امور غیر تجربی را به دیده ی نفی و یا تردید نگریستند، به رد و انکار معجزه که پدیده ای بیرون از راههای تجربی قلمداد می شد، پرداختند؛ از این رو معجزه همواره با چالش جدی مواجه بوده است.

نوشتار حاضر تلاشی است در تحلیل و تفسیر یکی از مبانی و زیرساخت های اندیشه ی دینی تحت عنوان معجزه. در این نوشتار کوشش شده است تا به تبیین و مقایسه ی این مسئله از دیدگاه دو متفکر نامدار که یکی امام محمد غزالی از متکلمان نامی اشاعره و دیگری دیوید هیوم فیلسوف تجربه گرای انگلیسی است پرداخته شود.

۱-۱- صورت کلی تحقیق

این تحقیق مشتمل بر چهار فصل می باشد که در فصل اول پس از پرداختن به اهداف و ضرورت پژوهش، مسائلی مانند، تعریف لغوی و اصطلاحی معجزه از دیدگاه متکلمان و فلاسفه، تمایز اعجاز با حادثه های همگون اقسام معجزه و امکان آن مورد بررسی واقع شده است. در فصل دوم

به تبیین مسأله معجزه از دیدگاه متکلم اشعری، امام محمد غزالی پرداخته شده است. در فصل سوم نیز سعی بر آن است تا جایگاه مسأله مورد نظر در تفکر اندیشمند تجربه گرای انگلیسی، دیوید هیوم روشن شود و در نهایت در فصل چهارم سعی شده است تا ضمن انجام مقایسه میان نظرات غزالی و هیوم در مورد مسأله معجزه اشتراکات و اختلافات رأی آنها در مورد مسأله مورد نظر بیان شود.

۱-۱-۱ پرسش های پژوهش

در نوشتار حاضر پرسشهای ذیل مطرح است :

۱- جایگاه معجزه از نظر غزالی چگونه است ؟

۲- جایگاه معجزه در تفکر هیوم چگونه است؟

۳- تبیین اصل معجزه از دیدگاه غزالی چه تفاوت عمده ای با تبیین خاص هیوم از معجزه دارد؟

۱-۱-۲ فرضیات پژوهش

۱- از نظر غزالی معجزه ظهور قدرت مطلق الهی است. غزالی از امکان وقوع معجزات دفاع کرده و قدرت مطلق الهی را بی چون و چرا تأیید می کند. از نظر غزالی تأیید ضرورت علی و معلولی مستلزم نفی معجزات و قدرت مطلق الهی است، در صورتیکه نفی ضرورت علیت دست کم تأیید معجزات و قدرت مطلق الهی را ممکن می سازد.

۲- هیوم فیلسوف تجربه گرا معتقد است که معجزه ناقض قوانین طبیعت است و از آنجا که تجربه ای راسخ و غیر قابل تغییر، این قوانین را اثبات کرده است، دلیل بر ضد معجزه در حاق واقع به اندازه ی هر برهان تجربی که بتوان تصور کرد تمام است. هیوم معتقد است که تنها راهنمای ما برای ارزیابی معجزات، تجربه ی کلی ما از نظم موجود در طبیعت است.

۱-۱-۳ اهداف و ضرورت پژوهش

نظر به اینکه اعتقاد به معجزه، بخشی از ضروریات دین تلقی می شود که نفی باور به آن از نظر دین داران معادلی برای کفر است و از طرفی بعضی از دیدگاه های فلسفی عملاً به نفی پذیرش این پدیده ی مهم آسمانی می انجامد، مطالعه ی مبناهایی که اجازه ی پذیرش یا عدم پذیرش آن را می دهند ضرورت می یابد؛ ضمناً هدف از این مطالعه مقایسه ای نشان دادن این مطلب است که چگونه رویکردهای متفاوت، مجال پذیرش یا عدم پذیرش یک اعتقاد رافراهم می سازند.

۱-۱-۴ پیشینه ی پژوهش

بر اساس بررسی های انجام شده، تطبیق و مقایسه ای میان نظر غزالی و هیوم در مورد پدیده ی معجزه صورت نگرفته است اما در مورد مسئله ی معجزه از وجوه مختلف پژوهشهایی به قرار ذیل صورت گرفته است :

۱- زمانی، محمود؛ ترجمه و نقد و بررسی کتاب مفهوم معجزه ریچارد سویین برن، استاد راهنما مصطفی ملکیان، دانشگاه قم، ترجمه ی کتاب مذکور به بررسی و تحلیل مفهوم معجزه پرداخته و مباحث فلسفی مربوط به آن را دنبال می کند.

۲- احمدی، محمد امین، نقد و بررسی دیدگاه های هیوم در مورد معجزه، استاد راهنما محمد صادق لاریجانی، دانشگاه قم، موضوع این رساله نقد و بررسی بخش دهم کتاب پژوهشی در فاهمه انسانی تألیف دیوید هیوم است. این بخش از کتاب با عنوان معجزات تنظیم شده است.

۳- گیوی، مجید؛ ترجمه ی فصل اثبات خدا از طریق معجزه از کتاب مسئله خدا (نوشته پالمر) و نقد آن بر مبنای فلسفه و کلام اسلامی. استاد راهنما محسن جوادی، دانشگاه قم.

۲-۱ تعاریف

واژه معجزه در لغت و متون دینی دارای تعاریف گوناگونی است، که به بعضی از این تعاریف اشاره می‌کنیم .

۱-۲-۱ تعریف معجزه در کتب لغت

واژه اعجاز در کتب لغت به معنای ناتوان کننده و ضعیف کننده آمده است، و در عرف عام برای اشاره به وقایع متنوعی به کار می‌رود. این واژه، مصدر باب افعال است و یکی از کارکردهای باب افعال، متعدی کردن افعال لازم است و در *أعجز* به معنای عاجز و ناتوان کردن می‌باشد. اسم فاعل آن یعنی *مُعجز* به معنای عاجز و ناتوان کردن است، ریشه لغوی آن هم از ماده *عجز* مشتق شده است که به معنای ضعف و ناتوانی است.^۱

راغب اصفهانی معنای اصلی *عجز* را تأخر ذکر کرده است و می‌گوید: چون تأخر همراه ضعف و سستی و به عبارت دقیق معلول آن است، از اینرو در اصطلاح عرفی در معنای ضعف بکار رفته است.^۲

علاوه بر معنای ضعف و ناتوانی واژه معجزه به معنای پایانه و انتهای هر چیزی هم بکار رفته است. با توجه به کاربرد این کلمه می‌توان گفت که مفهوم اصلی در ماده این واژه چیزی مقابل قدرت است.^۳ *عجز* و ناتوانی دارای مراتب و مصادیق گوناگون است، همانطور که قدرت دارای مراتب تشکیکی می‌باشد. معجز و معجزه اسم فاعل مفرد به معنی ناتوان کننده است، که جمع آن

۱- قدردان قراملکی، محمد حسن، *معجزه در قلمرو عقل و دین*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱ ص ۳۰

۲- راغب اصفهانی، ابوالقاسم، *المفردات فی غرایب القرآن*، دفتر نشر کتاب، تهران، ۱۴۰۴، ص ۲۳

۳- ابن الفارس، احمد، *مقائیس اللغه*، ج ۴، ص ۲۳۲

معجزات می باشد. همینطور عاجز که مصدر آن معجزه است و به معنای استمرار در عجز و ناتوانی بکار رفته است. عجز که جمع آن عجائز و عُجُز است، در لغت نیز به معنای ضعف مفرط و فقدان نیروی جسمانی کاربرد دارد.¹ قرآن کریم در موارد متعددی و به مناسبت های مختلف در آیات خود به ذکر واژه معجزه و مشتقات گوناگون آن پرداخته است؛ از جمله در سوره های توبه، فاطر، هود، سبأ، حاقه، قمر و... بعنوان مثال؛ در جایی واژه اعجاز را به معنای پایان و ریشه درخت بکار می برد و می فرماید:

«إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ، تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ»²

همچنین قرآن کریم در آیه شریفه دیگر، واژه معجزه را به معنای ناتوان کننده بکار برده است:

«مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ»³

علاوه بر این معنای معنایی دیگر هم برای معجزه از برخی عبارات می توان بدست آورد، همانطور که بیان شد، واژه اعجاز اسم فاعل باب افعال است که یکی از معانی آن عاجز و ناتوان کننده می باشد، اما یکی دیگر از معانی باب افعال آشکار کردن است و معجزه به معنای وصفی، یعنی: کسی که عجز و ناتوانی دیگران را آشکار می کند و مراد از معجزه آن عمل و فعلی است که، با آن ضعف و ناتوانی دیگران روشن و آشکار می شود.⁴

1- سعیدی روشن، محمد باقر، **معجزه شناسی**، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۷۹، صص

۱۶ و ۱۷

2- سوره قمر، آیات ۱۹ و ۲۰، ما بر آنها تند بادی در روز پایدار نحسی فرستادیم، که مردم را می کند گویا آنها تنه های خرما از ریشه درآمده بودند.

3- سوره فاطر، آیه ۴۴. هیچ معبودی در آسمان و زمین بر قدرت خدا فایق نمی آید و بر او چیره نمی شود.

4- مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۷، چ ۴ ص ۴۲۷

۱-۲-۲- تعریف معجزه در متون دینی (تورات و انجیل)

پیشینه ی وجود و صدور افعال خارق العاده به زمان ظهور پیامبران بر می گردد، که به منظور نشان دادن صدق نبوت و در پاسخ به درخواست مردم، دست به اعجاز می زدند. این واژه در ادیان الهی واژه ای آشناست، در متون دینی مسیحیان (عهد قدیم و جدید) به آن اشاره شده و مورد عنایت پیروان آن بوده است. واژه عبری اعجاز انود (*Nix*) به معنای نشانه علم، عبرت، آیه و معجزه است، و معادل عبری آن در عهد قدیم *ksp* می باشد.¹ معادل انگلیسی آن یعنی *Miracle* به معنای اعجاز و شگفت انگیز به کار می رود. ریشه ی لاتینی آن *Miraculum*، و معادل یونانی آن در عهد جدید *Tepas* است. در عهد جدید از معادل‌های زیر برای توصیف معجزات پیامبران استفاده شده است؛ *Tepata* به معنای شگفت آور، *suvamets* اشاره بر قدرت فاعل حادثه شگفت انگیز، *onreia* اشاره به خصیصه یا ادعایی که گواهی و تضمین از آن فهمیده می شود. تورات و انجیل مملو از گزارش انواع و اقسام معجزه هایی است، که بوسیله ی پیامبران پیشین از جمله حضرت موسی و عیسی (ع) انجام گرفته است. در این دو کتاب مقدس برای بیان و گزارش اعمال خارق العاده پیامبران، از واژه های مختلف مانند «معجزه»، «آیه و آیات» و «اعمال عجیبه و عجایب» استفاده شده است.² واژه معجزه در تورات نسبت به انجیل بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. در تورات بیشتر از واژه های «آیه و آیات» استفاده شده است، اما در عین حال در مواردی اصطلاح معجزه نیز به کار رفته است، مانند آیه ی ذیل:

1- حیییم، سلیمان، فرهنگ عبری فارسی، ج ۲، انتشارات انجمن کلیمیان، تهران، بی تا، ص ۸

2- قدر دان قراملکی، محمدحسن، معجزه در قلمرو عقل و دین، ص ۳۲

«در جمیع آیات و معجزاتی که خداوند او (موسی) را فرستاد تا آنها را در

زمین مصر به فرعون و جمیع بندگانش و تمامی زمینش بنماید».¹

در آیات تورات سخن از اعمال رسولان و درباره عیسی ناصری است؛ مانند آیات ذیل:

«عیسی ناصری مردی که نزد شما از جانب خدا مبرهن گشت به قوات و عجایب

و آیاتی که خدا در میان شما از او صادر گردانید، چنانکه خود می دانید».²

در تاریخ مسیحیت معجزات را تشکیل دهنده ایمان سخت کیشانه (ارتدوکسی) می دانند. این

دیدگاه سنت عهد قدیم را که می گوید خداوند به قدرت ملکوتی خود در جهان مادی عمل می

کند و ماهیت ملکوتی او به گونه ای است که تجلیاتش بر روی زمین اینگونه وقایع را به همراه

می آورد دنبال کند.³

در آثار نویسندگان مسیحی معجزات ظهورات مختلفی دارند، برخی مانند سی.اس. لویس،

نویسنده و متکلم انگلیسی، تجسد خداوند را که در قالب تجسد لاهوت در ناسوت میباشد،

بزرگترین ظهور معجزه معرفی کرده است.⁴

۱-۲-۳- تعریف معجزه در قرآن کریم

کتاب آسمانی قرآن هم، بعنوان یکی از کتب مقدس دینی از جمله کتبی است که به معجزه

عنایت داشته است. واژه اعجاز و مشتقات آن حدوداً بیست و شش مرتبه در قرآن کریم بکار رفته

1- سفر تثنیه، باب ۱۳، آیه ۱-۳

2- اعمال رسولان، باب ۲، آیه ۲۲

3- احمدی، محمد امین، تناقض نما یا غیب نمون، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸،

ص ۲۵

4- همان، ص ۲۶

است و در این آیات واژه معجزه به معنای «ضعف و تأخر» آمده است.

بعنوان مثال در آیات ذیل می فرماید:

«وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ»^۱

«وَأَنَا ظَنَّنَا أَنَّ لَنَا نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعْجِزَهُ هَرَبًا»^۲

با بررسی قرآن ظاهراً چنین به نظر می رسد که معنای اصطلاحی معجزه در آیات این کتاب آسمانی بکار نرفته اما این به معنای بی تفاوت بودن این کتاب آسمانی نسبت به مسئله مورد بحث نیست، بلکه قرآن از زوایای مختلف به بحث و تبیین اعجاز پرداخته است.

همچنین در قرآن مجید برای بیان و توصیف اعجاز پیامبران پیشین و پیامبر اسلام(ص) به جای استعمال واژه ی «معجزه» که تنها بر عجز و ناتوانی دیگران در مقابل تحدی پیامبران دلالت می کند، از عناوینی استفاده شده است که علاوه بر دلالت بر معنای فوق، بر ارتباط آورنده ی معجزه با عالم غیب نیز دلالت صریح داشته است.^۳

۱-۲-۴- واژگان مترادف معجزه در قرآن

در قرآن کریم، واژگان دیگری وجود دارد که بیانگر مقصود اعجاز است مانند:

۱- توبه سوره ۹، آیه ۲: و بدانید شما بر قدرت خدا غالب نخواهید بود و همانا خدا کافران را خوار و ذلیل خواهد کرد.

۲- جن سوره ۷۲، آیه ۱۲: و ما چنین دانسته ایم که هرگز خدا را در زمین عاجز نمی کنیم و هرگز با فرار او را عاجز نمی سازیم.

۳- قدر دان قراملکی، محمد حسن، **معجزه در قلمرو عقل و دین**، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱، ص ۳۵

- ۱- آیه: به معنای علامت و نشانه ی روشن، آنچه پیامبران (ع) نشان و دلیل نبوت می دانند، آیه شمرده شده است: « وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ »¹
- ۲- بینه: «بین» و «بان»: در لغت به معنی ظاهر شدن و انکشاف است، همچنین به معنی رهنمود و دلالت روشن و واضح، خواه عقلی و خواه حسی باشد: « قَدْ جِئْتَكُمْ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ »²
- ۳- برهان: به معنی ارائه دلیل و حجت است: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ »³
- ۴- سلطان: به معنای نیرو، تمکن، حجت و دلیل است، دلیل را به این علت سلطان می گویند که افکار و قلوب را چیره می سازد: « وَ مَا كَانَ لَنَا تَأْتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ »⁴
- ۵- بصیرت: به معنی وضوح و روشنی و ادراک درونی می باشد: « قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ »⁵
- ۶-عجب: یکی دیگر از واژه های بکاررفته درقرآن که مترادف معنای معجزه می باشد عجب است. قرآن کریم به جای اینکه معجزه را امر محال و خارق العاده قوانین عقلی و طبیعی توصیف کند، آن را رویدادی عجیب و شگفت انگیز ذکر می کند: « وَاتَّخِذْ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا »⁶
- قرآن کریم همواره برای علم و تعقل اهمیت خاصی قائل بوده، به همین دلیل از انسان می خواهد که گرویدن به پیامبران و ایمان آوردن به آنان را براساس تفکر و تعقل قرار دهد نه بر اساس مشاهده معجزات و امور خارق العاده. از منظر قرآن، صدور معجزات از جانب پیامبران اگر همراه

1- سوره روم، آیه ۲۲، ۱۰۵: و از نشانه های او، خلقت آسمانها و زمین است.

2- سوره اعراف، آیه ۱۰۵: من دلیل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده ام.

3- سوره نساء، آیه ۱۷۴: ای مردم دلیل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آورده ام.

4- سوره ابراهیم، آیه ۱۱: و ما را نرسد که آیتی إلا به اذن و دستور خدا (برای شما) بیاوریم.

5- سوره انعام، آیه ۱۰۴: دلایل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمد.

6- سوره کهف، آیه ۶۳: شگفت آنکه (ماهی بریان) راه دریا گرفت.

با استدلال و تعقل باشد، معقول است و در اینصورت است که شالوده ایمان انسان را تشکیل می دهد.¹

بنابراین، قرآن کریم بجای واژه معجزه که فاقد ارزش معرفتی است از واژه هایی بهره جسته است که بتواند غایت امور خارق العاده و منطقی بودن آنرا با تعبیری گویا برساند و این مسأله دلیل عدم ذکر واژه ی معجزه در برخی از آیات قرآن کریم است .

۱-۳- تعریف اصطلاحی معجزه

معجزه در اصطلاح و عرف عام بر حوادثی شگفت آور، فوق قدرت بشر، خارج از جریان عادی طبیعت و حوادث فراطبیعی اطلاق می شود.^۲

معجزه در اصطلاح فلاسفه و متکلمان تعاریف مختلفی دارد، که به برخی از آنها اشاره می کنیم .

۱-۳-۱- تعریف معجزه در اصطلاح متکلمان

اعجاز در اصطلاح متکلمان کار خارق العاده ای است که مدعیان نبوت به رغم قوانین عادی طبیعت برای اثبات مدعای خود که ارتباط با عالم غیب و خداوند است، می آورند و دیگران را نیز به مقابله و معارضه با آن دعوت می کنند و به دلیل ناتوانی خلق از آوردن مانند آن معجزه نامیده می شود.^۳ بسیاری از متکلمان در کتب کلامی خود اعجاز را امری خارق العاده دانسته اند که همراه با تحدی بوده و از معارضه و مقابله در امان می باشد و خداوند آن را بدست انبیاء ظاهر می سازد تا دلیل صدق رسالتشان باشد.^۴

1- قدر دان قراملکی، محمد حسن، معجزه در قلمرو عقل و دین ، ص ۳۹

2- احمدی، محمد امین، تناقض نما یا غیب نمون، ص ۴۱

3- سعیدی روشن، محمد باقر، معجزه شناسی، ص ۱۸

4- ر.ک. کتب کلامی بحث نبوت، کتب علوم قرآن بحث اعجاز، بعنوان نمونه شرح اصول خمسه، ص ۵۶۸ الملل و النحل ج ۱ ص ۱۰۲، تلخیص المحصل، ص ۲۵۰، الاقتصاد فی الاعتقاد ص ۱۷۴

معجزه به معنای اصطلاحی آن در عصر رسالت و در لسان پیامبر و ائمه رایج بوده است، اما سرآغاز ورود آن در علوم دینی دقیقاً مشخص نیست، جستجوی منابع تاریخی نشان می دهد که ظاهراً از اوایل سده دوم هجری به بعد، اصطلاح معجزه در عرصه علوم دینی رسوخ کرده و با گذشت زمان متداول گشته و در نهایت معجزه وارد مباحث کلامی شده است.¹

در تعاریف اصطلاحی متکلمان از معجزه عنصر خارق العاده بودن مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه به نمونه ای از تعاریف برخی از این متکلمان اشاره می کنیم.

علامه حلی در کشف المراد می گوید:

«اعجاز عبارتست از امر خارق عادتی که بوسیله مدعی مقام نبوت انجام شود؛ مقرون به

تحدی و معارضه طلبی و عدم معارضه باشد و با ادعای او نیز مطابقت داشته باشد، برای مثال؛

اگر بگویند که من به اعجاز این کور را بینا می کنم او به جای بینا شدن شنوایی خود را از

دست بدهد و یا کار خارق العاده دیگری غیر از آنچه ادعا کرده، انجام دهد. بر آن اعجاز اطلاق

نمی شود»²

خواجه طوسی در تعریف معجزه می گوید: ثبوت امری برخلاف عادت یا نفی چیزی که عادی است و نیز مطابقت امر انجام گرفته با آنچه ادعا کرده است.³

۱- قدردان قراملکی، محمد حسن، معجزه در قلمرو عقل و دین، ص ۴۳-۴۲

۲- علامه حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تصحیح و تعلیق، استادحسن زاده آملی، موسسه نشر اسلامی قم، ۱۴۰۷صص ۳۵۱-۳۵۰

۳- همان، ص ۲۲۷

۱-۳-۲ تعریف معجزه در اصطلاح فلاسفه

بحث معجزه بحثی نبوده که تنها در حوزه کلام یا علوم تجربی مطرح شده باشد بلکه فلاسفه نیز به گونه ای به بررسی این موضوع در مباحث خود پرداخته اند. بحث معجزه در فلسفه در ساختار وقایع، و اینکه طبیعی اند یا ماوراء طبیعی؛ مطرح می گردد. بعضی آن را بعنوان وقایع فراطبیعی و برخی دیگر در ساختار وقایع طبیعی ناشناخته تفسیر می کنند.

فلاسفه به وجود نظام علیت و فروعات آن در عالم معترفند و بر این باورند که در طبیعت رفتار منظم و سامانمندی جاری است و چیزی از این قاعده عام بیرون نیست، بنابراین به نظر آنان مفهوم اعجاز این است که از حد رابطه سببی و مسببی جاری و معمول در طبیعت فراتر رود.^۱ بنابراین مبنای استدلال عموم فلاسفه در پذیرش یا عدم پذیرش معجزه بر اصول فلسفی که مورد باور ایشان است استوار است. روی همین اصل است که گروهی از فلاسفه معتقدند در معجزه اصل علیت و فروعات آن نقض نمی شود. بلکه اعجاز حادثه عجیبی است که علتی هم سنخ با خود دارد. گروه دیگر از فلاسفه دقیقاً به همین مبنای استناد جسته و رویکردی منفی نسبت به معجزه داشته اند. زیرا به زعم ایشان در معجزه قوانین کلی و لایتخلف فلسفی نقض می شود.

۱-۳-۲-۱- تعریف اصطلاحی معجزه از نظر فلاسفه مسلمان

فیلسوفان مسلمان هنگام تبیین معجزه تا حدی بر اصول فلسفی خود تکیه کرده اند که این امر بعضاً ایشان را در مظان اتهام انکار معجزه قرار داده است، از جمله این فلاسفه ابن سینا می باشد. او بر اساس اصول فلسفی مسلم خود این پدیده به ظاهر دینی را آنچه ترسیم می کند که جایی برای انکار آن نمی گذارد و البته در میان فیلسوفان مسلمان تنها ابن سینا نیست که چنین

^۱ - احمدی، محمدامین، تناقض نما یا غیب نمون، صص ۷۱-۷۰